https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.70463.1035
مقالهٔ پژوهشی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال هجدهم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، شمارهٔ پیاپی ۳۵

درک معنایی جوامع محلی از پیامدهای تخصیص آب سدها به سکونتگاه‌های روستایی در استان کردستان

داود جمینی (استادیار گروه ژئومورفولوژی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، نویسنده مسئول)
(گروه پژوهشی مطالعات محیطی دریاچه زریبار، پژوهشکده کردستان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)
d.jamini@uok.ac.ir
علیرضا جمشیدی (استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران)
al.jamshidi@urmia.ac.ir

صص ۳۶۸ ـ ۳۳۳

چکیده

بررسی و تحلیل درک معنایی جوامع محلی از پیامدهای تخصیص آب سدها به سکونتگاه‌های روستایی در استان کردستان هدف اصلی پژوهش حاضر است که به صورت مطالعهٔ موردی، در دو روستای لگزی (برخوردار از آب سد شهید کاظمی) و گل‌تپه (محروم از آب سد) واقع در شهرستان سقز، انجام گرفته است. برای جمع-آوری اطلاعات میدانی تکیهٔ اصلی محققان بر مصاحبه‌های فردی و گروهی بوده است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است. به این صورت که در روستای لگزی ٦ مصاحبهٔ عمیق فردی و سه نشست گروهی و در روستای گل‌تپه ۷ مصاحبهٔ عمیق فردی و سه نشست گروهی انجام گرفته است. لازم به ذکر است، روش نمونه‌گیری تمامی مصاحبه‌ها، به صورت هدفمند بوده و مبنای اتمام مصاحبه‌ها، اشباع نظری بوده است. نتایج نشان داد تخصیص آب سد به ساکنان روستای لگزی تداعی‌کنندهٔ مضامین فراگیرِ مثبتی مانند «پایداری اقتصاد محلی»، «پایداری اجتماع محلی»، «شکوفایی انگیزه موفقیت» و «افزایش سازگاری با محیط»

تاریخ دریافت: ١٤٠٠/٠٢/٢٨ تاریخ تصویب: ١٤٠٠/٠٧/٠٣

بوده است که در نهایت مضمون کلان *توسعهٔ پایدار روستایی* را شکل داده است. برعکس، ادراک ساکنان روستای گل‌تپه از عدم تخصیص آب سد به آن‌ها با مضامین منفی و بعضاً ایجاد تحول کارکردی در روستا مانند «احساس محرومیت نسبی»، «شکنندگی اقتصاد محلی»، «ناپایداری اجتماع محلی» و «خدماتی شدن مشاغل روستا»، همراه بوده که منجر به شکل‌گیری مضمون کلان *ناپایداری روستایی* شده است. نتایج حاصل‌شده نشان می‌دهد اتخاذ و اجرای سیاست‌های دوگانه تخصیص/ عدم تخصیص آب سدها به جوامع روستایی، می‌توانند با تداعی مفاهیم کلان پایداری/ ناپایداری توسعهٔ روستایی، در تحولات کارکردی-ساختاری روستاها اثرگذار باشد. بنابراین به نظر می‌رسد تجدید نظر در سیاست‌های تخصیص منابع آبی در کشور یک ضرورت غیرقابل انکار است.

کلیدواژه‌ها: توسعهٔ پایدار روستایی، مدیریت منابع آب، سد، تحلیل تماتیک، شهرستان سقز.

۱. مقدمه

بر اساس گزارش *فائو* در راستای دستیابی به اهداف توسعهٔ هزاره، اولین هدف، ریشه‌کن کردن فقر شدید و گرسنگی در جهان است (لونفنا و اوانز[1]، ۲۰۱٤، ص. ۱۲۵). چراکه در حال حاضر، صدها میلیون نفر وجود دارند که از سطح قابل قبولی از امنیت غذایی برخوردار نیستند و خطر جدی برای تغذیه بیش از ۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ وجود دارد. برای پاسخگویی به این نگرانی‌ها، فائو اعلام کرد باید تولیدات کشاورزی ۷۰ درصد در سراسر جهان و حدود ۱۰۰ درصد در کشورهای درحال توسعه افزایش یابد (سی[2] و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱٦؛ اسمیت، فیلیپس و کِر[3]، ۲۰۱۵، ص. ۳۷). این در حالی است که، منابع آبی که نقش محوری را در تولیدات کشاورزی ایفا می‌نمایند، ولی به شدت در حال کاهش بوده (حسین‌زاد، کاظمیه، جوادی و غفوری، ۱۳۹۲، ص. ۸۷)، به‌طوری‌که مسئلهٔ کمبود منابع آب، اصلی‌ترین موضوع

1. Leunufna & Evans
2. See
3. Smyth, Phillips & Kerr

مورد بحث جهان در آینده خواهد بود (نوری، جمینی و جمشیدی، ۱۳۹۵، ص. ۳۰٤). این مهم استفادهٔ بهره‌برداری بهینه از منابع آبی را به‌ویژه در مناطق خشک دنیا، از جمله کشور ایران، به ضرورتی حیاتی بدل کرده است (توکلی و جمینی، ۱۳۹٤، ص. ۹۰).

یکی از مهمترین اقدامات سازه‌ای در جهت مدیریت منابع آب و پاسخ به نیازهای روزافزون به آن، احداث سد بوده که از طریق تأمین آب شرب، کشاورزی، صنایع، انرژی برق آبی، کنترل سیلاب و دیگر مزایای مهم، به توسعهٔ انسانی کمک می‌کنند. سدها به عنوان یکی از اشکال اصلی سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی برای توسعهٔ اقتصادی، نیازمند صرف هزینه‌های زیادی هستند و مزایا و مضرات متعددی را برای انسان و محیط زیست، به همراه دارند (دیلون و فیشمن[1]، ۲۰۱۹، ص. ۱٤۳). احداث سد از هر نظر بر نقاط پیرامونی خود اعم از شهرها و روستاها، تأثیرات گوناگونی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی خواهد داشت (صادقی، صیدائی و رضوانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۵). سد برای مناطق روستایی می‌تواند نقش اشتغال‌زایی، توسعهٔ فعالیت بخش کشاورزی، توسعهٔ جاده و مسیرهای ارتباطی، تنوع بخشی به اقتصاد روستایی و غیره را ایفا نماید. در صورتی که این تأثیرات به‌خوبی شناخته و مدیریت شود، به یقین نتیجه آن به روند بهتر توسعهٔ پایدار روستایی کمک خواهد کرد. اما درصورتی که از این توانمندی‌های عمرانی صنعتی در سطح منطقه استفاده نشود، نتیجهٔ آن ناپایداری و ایجاد مسائل مختلف برای مناطق روستایی خواهد بود (صادقی، صیدائی و رضوانی، ۱۳۹٦، صص. ۱۸۸-۱۸۷).

در ایران کارکرد اقتصادی، مهم‌ترین کارکرد سکونتگاه‌های روستایی است که بنیان اصلی این کارکرد مبتنی بر فعّالیت در بخش کشاورزی است (ریاحی و جمینی[2]، ۲۰۱۸، ص. ۲). روستاییان به واسطهٔ فعالیت در بخش کشاورزی، مهم‌ترین تأمین کنندگان مواد غذایی هستند و بیش از ۸۰ درصد مواد غذایی توسط جامعهٔ روستایی تولید می‌کنند (جمینی، امینی، قادرمرزی و توکلی[3]، ۲۰۱۷، ص. ۳۵). شواهد نشان می‌دهد در کشورمان در مبحث تخصیص

1. Dillon & Fishman
2. Riahi & Jamini
3. Jamini, Amini, Gadermarzi & Tavakoli

آب به سکونتگاه‌های روستایی واقع در محدوده سدها، به دلیل فقدان نگرش سیستمی و حاکمیت دیدگاه و نگرش تک‌بعدی توسعه (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۵)، در موارد متعددی مسؤولان فقط روستاهای دوردست سد را مدنظر دارند و به روستاهای اطراف و نزدیک سد بی‌توجه هستند (حیدری و پاپ‌زن، ۱۳۹٤، ص. ۸۵٦). سکونتگاه‌های روستایی واقع در مجاورت و یا مسیر سدهای استان کردستان را نیز، به لحاظ تخصیص منابع آبی می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی نمود. گروه اول روستاهایی هستند که از منابع آبی سدها برای فعالیت در بخش کشاورزی برخودارند و در عمل ذخایر آبی سدها به آن‌ها تخصیص یافته است. گروه دوم روستاهایی هستند که از منابع آبی سدها محروم هستند و در حال حاضر امکان استفاده از این منابع آبی استان را ندارند. این شیوهٔ تصمیم‌سازی منجر به شکل‌گیری دو تیپ متفاوت از سکونتگاه‌های روستایی شده است.

با توجه به اینکه کمیسیون جهانی سدها، هدف نهایی هر طرح سدسازی را بهبود پایدار رفاه انسان می‌داند (ملک‌حسینی و میرک‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۸٤) و در استان کردستان به منظور مهار و توسعهٔ بهره‌برداری از منابع آب، ۳٤ سد[1] در حال بهره‌برداری، ساخت و مطالعه هستند (شرکت آب منطقه‌ای استان کردستان، ۱۳۹۵، ص. ۱)؛ تخصیص منابع آبی به سکونتگاه‌هایی روستایی می‌تواند در افزایش تولیدات کشاورزی، اشتغال، درآمد و ...، روستاییان و حتی منطقه مؤثر باشد، در این پژوهش سعی بر آن است تا درک جامعهٔ روستایی، به‌عنوان قشر اصلی تولیدکننده مواد اولیه غذایی مورد نیاز، را از فرایند مدیریت منابع آبی سدها مورد تحلیل قرار دهد. به این صورت که تفسیر، ادراک و تحلیل جامعه‌شناختی روستاییان از فرایند دوگانه تخصیص منابع آبی به جوامع روستایی چگونه است؟

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

از آنجایی‌که هدف این مطالعه، بررسی درک معنایی جوامع محلی از پیامدهای تخصیص آب سدها به سکونتگاه‌های روستایی در استان کردستان است، بنابراین ورود به درون جهان

۱. ۹ سد در حال بهره‌برداری، ۱۱ سد در دست اجرا و ۱٤ مورد مطالعاتی (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵).

تجربه‌های روستاییان مستلزم اتخاذ رویکرد و روشی است که قادر به انجام چنین کاری باشد. از این‌رو، از استفاده از رویکرد برساختی-تفسیری ضروری به نظر می‌رسد. این رویکرد انسان را به مثابه موجودی فعال، خلاق و معناساز تعریف می‌کند که مدام در حال ساخت و ساز و نیز معنادار کردن زندگی اجتماعی و واقعیات اجتماعی روزمره است. بنابراین محیط اجتماعی به خودی خود فاقد معنا است و توسط انسان‌ها از طریق الصاق معانی و نمادهای عینی معنادار می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۵۸). در بررسی‌های کیفی به جای به‌کارگیری چارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی برای استخراج پرسش یا پرسش‌های پژوهش استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم و موضوعات عمدهٔ مورد نظر تمرکز دارند و آن‌ها را در قالب نظامی نسبتاً منسجم و مرتبطِ معنایی به یکدیگر پیوند می‌دهد (دانش‌مهر، احمدرش و کریمی، ۱۳۹۸، ص. ۵). از این رو متناسب با چارچوب مفهومی مطالعهٔ حاضر، شاکلهٔ چارچوب را مفاهیم روابط متقابل انسان و طبیعت، مدیریت آب و توسعهٔ روستایی، سدها و توسعهٔ روستایی، دوگانگی پروژه‌های توسعهٔ روستایی و ارزیابی تأثیر اجتماعی تشکیل می‌دهد که در ادامه تشریح شده‌اند.

روابط متقابل انسان و طبیعت: مفهوم روابط متقابل انسان و طبیعت را برای اولین بار گریفیت تیلور[1] به عنوان تعریف علم جغرافیا بیان کرده است (شکوئی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸). این یک اصل غیرقابل انکار است که هر فعالیتی توسط انسان بر روی طبیعت صورت گیرد دارای اثراتی است و بلعکس (فعلی نهاوند و رسولی آذر، ۱۳۹٦، ص. ۲۵). انسان‌ها از ابتدای خلقت منظرهٔ کرهٔ زمین را تغییر داده‌اند و فرایندهای طبیعی را به نفع خود دستکاری کرده‌اند. ساخت سد یکی از مهم‌ترین اقدامات با عمده‌ترین تغییرات محیطی طبیعت در تاریخ و تمدن بشر است (اُدام آپیا، سارفو، فامیه و آدای[2]، ۲۰۱۷، ص. ۱)، که در اثر استیلای تفکر و پارادیم سازه-ای برای توسعه در سیاست‌گذاری‌ها و نزد سیاست‌گذاران طی دهه‌های اخیر، سدها یکی پس از دیگری برای ذخیره آب به منظور حمایت از فعالیت‌های کشاورزی، افزایش تولید برق و

1. Griffith Taylor
2. Odame Appiah, Sarfo, Famieh & Addai

امنیت تأمین آب شهری ساخته می‌شوند و اکوسیستم‌های رودخانه‌ای، همچون تالاب‌ها و دریاچه‌های متعدد در نقاط مختلف کشور، قربانی توسعه‌های شتابان و تازشگر انسانی برای تقویت اقتصادهای منطقه‌ای می‌شوند (امینی و گفتاری، ۱۳۹٦، ص. ۲۲۲) و این امر در اثر روابط متقابل انسان و طبیعت دارای پیامدهای (مزایا و مضرات) متعددی بر مناطق مختلف جغرافیایی است (آی‌نی و اوجیفو[1]، ۲۰۱۸، ص. ۱۷۵). منظور از پیامدهای سدسازی، تغییرات مهم یا پایدار در زندگی مردم است که در نتیجهٔ عمل معین یا مجموعهٔ اعمال معینی به وجود می‌آید. به‌عبارت دیگر، منظور از پیامدهای احداث طرح سدسازی، نتایج و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح است که شیوهٔ زندگی، کار، تفریح، نیازهای اجتماعی و بهداشتی و آموزشی، ارتباطی، تأمین نیازها و ایفای نقش آن‌ها را به‌عنوان اعضای جامعه تحت تأثیر قرار دهند (قدرتی و زیدی، ۱۳۹٦، ص. ۱۰۷).

مدیریت آب و توسعهٔ روستایی: در سراسر جهان مدیریت منابع آب، شرط اساسی برای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود (اسفندیاری درآباد، مصطفی‌زاده، شاهمرادی و عبادی، ۱۳۹۸، ص. ۱٤۸) و در مقابل آن یکی از مهمترین چالش‌های ناشی از کمبود و محدودیت منابع آب، ناپایداری اقتصادی و جمعیتی نواحی روستایی است (یاسوری، ۱۳۸٦، ص. ۱۷٤). در راستای دستیابی به توسعهٔ روستایی منابع آبی می‌تواند نقش کلیدی دوگانه‌ای را ایفا نماید. به این صورت که دسترسی/ عدم دسترسی به منابع آبی عامل ایجاد/ محدود کردن هرگونه توسعهٔ اجتماعی و فناوری، رفاه/ بدبختی، همکاری/ نزاع و کشمکش میان روستاییان است (جمینی، قادرمرزی، مفاخری، جمشیدی و نیک‌بخت، ۲۰۱۳، صص. ٤٤٥–٤٤٤؛ مسانی و جافری، ۲۰۱۵، ص. ۲۸).

سدها و توسعهٔ روستایی: به دلیل گسترش جمعیت و افزایش فعالیت‌های اقتصادی، از دهۀ ۱۹۵۰ از سدها برای تأمین آب و انرژی استفاده کرده‌اند و حداقل ٤۵۰۰۰ سد بزرگ در کشورها و مناطق مختلف احداث شده است. در دهۀ اخیر، بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها در احداث سدهای بزرگ، در جنوب شرقی آسیا صورت گرفته است. عملکرد سدسازی در ایران،

1. Ayeni & Ojifo

قبل از جمهوری اسلامی طی یک دورۀ ۳۱ ساله در ۱۲ استان ۱۹سد و بعد از انقلاب طی یک دوره ۲٦ ساله در ۲۹ استان ۱۵۲ سد صورت گرفته است که نشان‌دهندۀ سرعت بالای سدسازی بعد از انقلاب بوده است (نادری و کرمی دهکردی، ۱۳۹۷، صص. ٦۳۲-٦۳۱). سدها اثرات مثبت و منفی متعددی را بر روند توسعۀ اجتماعات ایفا می‌نمایند. در صورت مدیریت بهینه و برنامه‌ریزی منسجم و کل‌نگر سدها از جنبه‌های مختلفی مانند توسعۀ آبیاری، تأمین آب آشامیدنی، کنترل سیلاب، تولید برق، ماهیگیری، گردشگری، به اقتصاد ملی کمک می کنند. همچنین در ارتقای سطح زندگی و سطح زیرکشت مؤثر هستند و در بسیاری از مناطق مختلف دنیا نقش اساسی را در توسعۀ مناطق توسعه نیافته ایفا کرده‌اند (دیلون و فیشمن، ۲۰۱۹، ص. ۱٤۳).

دوگانگی پروژه‌های توسعۀ روستایی: پروژه‌های توسعۀ روستایی در بسیاری از موارد نتایج ناامید کننده‌ای دارند و دلیل آن عمده آن به تمرکز مداوم بر بُعد اقتصادی توسعۀ روستایی و کم‌توجهی به پیامدهای زیست محیطی، فرهنگی و به ویژه اجتماعی این پروژه‌ها است (ملک‌حسینی، میرک‌زاده و لیوتاس[1]، ۲۰۱۷، ص. ۱۹۰). نمونۀ بارز این پروژه‌ها جابجایی و انتقال آب سد *دوستی* به شهر مشهد است. این منابع باید در خدمت توسعۀ مناطق مرزی کشور می گردید اما برای مصرف شرب در سایر نواحی در نظر گرفته شده است (یاسوری، ۱۳۸٦، ص. ۱٦۷).

ارزیابی تأثیر اجتماعی: ارزیابی تأثیر اجتماعی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که فراهم‌کنندۀ دانش لازم برای تحلیل منظم و پیشاپیش تأثیرات اقدام، برنامه، پروژه یا تغییر سیاست پیشنهادی در کیفیت زندگی روزمره افراد و اجتماعاتی که محیطشان تحت تأثیر است، می‌باشد (شمس‌الدینی، جمینی و جمشیدی، ۲۰۱٦، صص. ٤۸۷-٤۸٦). تأثیرات (یا اثرها و پیامدهای) اجتماعی به تغییراتی اشاره دارد که اقدام پیشنهادی در سطح اجتماعی یا فردی به بار می‌آورد و شیوۀ زندگی، کار و تفریح روابط افراد با یکدیگر، نحوۀ برآوردن نیازهای‌شان و به‌طور کلی شیوۀ انطباق‌شان به‌عنوان اعضای جامعه را تغییر می‌دهد (احمدی اوندی، بهمئی،

1. Malek Hosayni, Mirakzadeh, & Lioutas

سپهوند و لجم اورک مرادی، ۱۳۹۳، ص. ۲۸). در خصوص موضوع مورد مطالعه و پیامدهای احداث سد بر سکونتگاه‌های روستایی مطالعات متعددی انجام گرفته است که در ادامه به نتایج چند مطالعهٔ مهم اشاره می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱. بررسی سوابق پژوهش (مطالعات داخلی و خارجی)

محقق	هدف	نتایج
احمدی اوندی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پروژهٔ احداث سد کارون ۳ در شهرستان ایذه	از دست دادن هویت، از بین رفتن همبستگی و روابط خویشاوندی، افزایش فردگرایی و انزوا، بر هم خوردن نظام همسایگی، کمرنگ شدن ارتباطات اجتماعی، کمرنگ شدن آداب و رسوم خاص، از بین رفتن راه‌های ارتباطی و کاهش سرمایهٔ اجتماعی، حاشیه‌نشینی و بزهکاری و در نهایت فقر و بیکاری
ملک‌حسینی و میرکزاده (۱۳۹۳)	ارزیابی آثار اقتصادی سد شهدا بر مناطق روستایی	ایجاد رقابت اقتصادی، تقویت اقتصاد منطقه، جذب سرمایه‌های شهری به مناطق روستایی، افزایش ارزش زمین‌های کشاورزی، اقدامات رفاهی، امنیت غذایی روستاییان بهره‌مند از آب سد و تضعیف اقتصاد محلی روستاییان پشت سد
حیدری و پاپ‌زن (۱۳۹٤)	پیامدهای احداث سد شهدا (سلیمانشاه) بر روستای جوبکبود علیا	پیامدهای منفی: از بین بردن راه‌های ارتباطی روستا، آسیب زدن گردشگران به محصولات کشاورزان، عدم تبدیل زمین های کشاورزی دیم روستا به آبی و از بین بردن زمین و محصولات کشاورزان. پیامدهای مثبت: اطمینان از آب در دسترس در فصول کم آب مانند تابستان، برای آبیاری زمین‌های آبی و جلوگیری از بروز سیلاب
ساعدی، مهرابی، طویلی و حیدری (۱۳۹۵)	ارزیابی اثرات سد طالقان بر تغییرات کاربری اراضی و قیمت زمین	قیمت زمین نسبت به قبل احداث سد افزایش بسیار زیادی داشته است و تغییرات قیمت زمین بر روند تغییرات کاربری اراضی روستاهای محدوده دریاچه سد تأثیرگذار بوده است.
اکبرزاده و کابلی (۱۳۹٦)	اثرات اقتصادی اجتماعی سدسازی سیازاخ در شهرستان دیواندره	اثرات مثبت: بهبود کشاورزی منطقه، تأمین آب شرب منطقه، افزایش سطح زیر کشت آبی، کنترل سیلاب، افزایش ارزش زمین، بهبود گردشگری و بهبود سطح درآمد خانوارهای پایین‌دست سد. اثرات منفی: کوچ اجباری ساکنین بالادست سد، از بین رفتن مشاغل ساکنین بالادست سد، ایجاد شغل‌های کاذب، از بین رفتن مساجد و مدارس، خسارات زیست‌محیطی و قطع درختان و تملک اراضی در روستاهای بالادست سد
امینی و گفتاری (۱۳۹٦)	ارزیابی تأثیرات سد ژاوه بر روستاهای همجوار در شهرستان سنندج	افزایش نسبی قیمت زمین‌های قابل بهره‌برداری، از دست رفتن میزان قابل توجهی از اراضی مجاور مخزن سد و حذف منابع آب سطحی و دائمی و تغییر کاربری‌های بخشی از اراضی پایین سد، ناپایداری درآمد و معیشت، از دست رفتن و ناکارآمد شدن دارایی‌های محیطی و منابع تولید کشاورزی و تأثیرات نامطلوبی بر روابط و مناسبات اجتماعی

محقق	هدف	نتایج
قدرتی و زیدی (۱۳۹٦)	تفسیر معنایی روستاییان از پیامدهای ساخت سد در منطقه رودبار در استان-های ایلام و لرستان	آثار منفی: فرسایش اعتماد نهادی، تغییر سبک زندگی، مشکلات زیست‌محیطی، رکود و پسرفت اقتصادی و معیشتی، کاهش خدمات عمومی، نبود برنامه‌ریزی مناسب، آینده مبهم، معضلات مهاجرتی، کاهش انسجام اجتماعی، از بین رفتن پشتوانه‌های فرهنگی، ناامنی اجتماعی و نارضایتی از وضع موجود و تغییر سبک
حمیدیان و نصرآبادی (۱۳۹٦)	پیامدهای اجتماعی، اقتصادی سد خاکی در روستای کمیز سبزوار	افزایش درآمد و رونق کشاورزی و گسترش سطح زیرکشت آبی اراضی روستا؛
امینی، ویسی و محمدی (۱۳۹۷)	اثرهای سد داریان بر معیشت پایدار روستایی	آثار منفی بر دارایی‌های معیشتی ساکنان (سرمایه مالی، فیزیکی، انسانی، اجتماعی و طبیعی) منطقه هورامان (واقع در بین استان کردستان و کرمانشاه)
نادری و کرمی دهکردی (۱۳۹۷)	پیامدهای اجتماعی احداث سد بهشت‌آباد در میان ساکنان	افزایش مهاجرت و حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها، تضعیف مشارکت بین خانوارهای محلی و افزایش آسیب‌پذیری معیشت‌ها، به‌ویژه در فعالیت‌هایی همچون زراعت، باغداری، دامپروری و خدمات مرتبط و افزایش قیمت زمین
دانش‌مهر و همکاران (۱۳۹۸)	درک معنایی نخبگان و ذی‌مدخلان محلی از طرح انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه	دگرگونی وضعیت معیشت مردم در مبدأ، افزایش حساسیت‌های قومیتی، رونق کشاورزی در زمین‌های مسیر انتقال آب، خسارات جبران‌ناپذیر به کشاورزی، مشکلات زیستی و روستازدگی در مبدأ، تهدیدات سلامتی، تغییر الگوی کشت، دید امنیتی به پدیدهٔ انتقال آب، تغییر قیمت زمین، واگرایی اقوام، تشدید فقر در مبدأ و هزینه‌بر بودن فرایند انتقال
صادقی، صیدائی و رضوانی (۲۰۱۷)	تأثیرات سد کارون سه بر سکونتگاه‌های روستایی	دوگانگی مدیریتی، مانع تاثیرگذاری مثبت سد بر روستاها شده است
اُدام آپیا، سارفو، فامیه و آدای[1] (۲۰۱۷)	بررسی تنش‌های پروژه احداث سد در کشور غنا	احداث سد اثرات مختلفی را بر پوشش گیاهی، تنوع زیستی، دامداری، زاعت و ... داشته است و در مجموع روستاییان از احداث آن رضایت ضعیفی داشته‌اند.
آی‌ِنی و اوجیفو[2] (۲۰۱۸)	اثرات سد اوان در نیجریه بر روی جوامع روستایی	جامعهٔ محلی از سد مذکور سودی نمی‌برند و احداث سد تأثیر بر معیشت آن‌ها نداشته است.
بهاتی، سایال، کورشی و بهاتی[3] (۲۰۱۹)	بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی سد بر جوامع روستایی در پاکستان	آثار مثبت: افزایش در سطح زیرکشت و عملکرد محصولات زراعی، تعداد دام، درآمد، پس‌انداز و کاهش مهاجرت، همچنین تغییر الگوی کشت و توجه به کشت تجاری، تقویت سفره‌های آب زیرزمینی و چاه‌ها

1. Odame Appiah, Sarfo, Famieh & Addai
2. Ayeni & Ojifo
3. Bhatti, Siyal, Qureshi & Bhatti

بررسی مطالعات مرتبط با موضوع مورد مطالعه نشان می‌دهد دسترسی جامعه روستایی به منابع آبی مورد نیاز، تأثیر غیرقابل انکاری را در توسعهٔ روستایی ایفا می‌نماید. با این وجود احداث سد بر روند توسعهٔ این جوامع دارای اثرات متفاوتی بوده است که این مهم به شرایط اجتماعی، اقتصادی، محیطی، سیاسی و فرهنگی جامعهٔ روستایی و در مجموع به بنیان‌های جغرافیایی حاکم بر سکونتگاه‌های روستایی برمی‌گردد. مطالعهٔ حاضر با دیدگاهی متفاوت بر آن است تفسیر جامعهٔ روستایی از دوگانگی تخصیص منابع آبی ذخیره شده در سدها را به صورت مطالعهٔ موردی و موشکافانه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳. ۱. محدودهٔ مطالعاتی

در این مطالعه روستاهای لگزی (برخودار از منابع آبی سد) و گل‌تپه (محروم از منابع آب سد) که هر دو در شهرستان سقز و در مجاورت سد *شهید کاظمی* قرار گرفته‌اند، به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. روستای گل‌تپه به عنوان مرکز دهستان گل‌تپه، دارای ۱۱۳۸ نفر جمعیت و ۳۱۳ خانوار است. مساحت زمین‌های زراعی این روستا حدود ۲۵۰۰ هکتار است که حدود ۲ درصد از این اراضی با استفاده از منابع آبی محلی و با شیوهٔ آبیاری سنتی به صورت آبی کشت می‌شوند. روستای لگزی با ۳۵۷ نفر جمعیت و ۱۰۰ خانوار، یکی از روستاهای دهستان صاحب است که مساحت زمین‌های زراعی آن حدود ۱۷٦۰ هکتار است که از این مقدار، ۷۵۰ هکتار با استفاده از منابع آبی تخصیص یافته از سد شید کاظمی، زیرکشت آبی هستند. لازم به توضیح است، سد شهید کاظمی در فاصله حدود ۱۳ کیلومتری شهر سقز قرار دارد که بر روی رودخانه زرینه‌رود واقع شده است که در سال ۱۳۵۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است (اسفندیاری درآباد و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱٤۹).

۳. ۲. روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب پارادایم تفسیری-برساختی انجام شده است و روش پژوهش در آن تحلیل مضمونی[1] می‌باشد. تحلیل مضمون عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی، مضمون‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۲، صص. ٦٧-٦٦).

مطالعات اکتشافی اولیه در مبحث بهره‌مندی و استفاده از ذخایر آبی سدها در استان کردستان نشان داد دو تیپ متفاوت از روستاها وجود دارند که این تیپ‌ها دارای تفاوت قابل توجهی در ابعاد مختلف اقتصادی و معیشتی، اجتماعی و ... با یکدیگر هستند. گروه اول روستاهای بهره‌مند از آب سدها و گروه دوم روستاهایی هستند که از استفاده از ذخایر آبی سدها محروم هستند. برای بررسی عمیق و دقیق موضوع مورد مطالعه در هر جامعه از دو تیپ فوق، یک روستا انتخاب شده است به گونه‌ای که دو روستا نماینده مناسبی برای جامعه‌های خود باشند. به این صورت که در میان گروه بهره‌مند از منابع آبی سدها، روستای لگزی و در میان روستاهای محروم از این منابع آبی، روستای گل‌تپه مورد مطالعه قرار گرفته‌است. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به دو روستای مذکور از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافتهٔ فردی و مصاحبه‌های گروهی استفاده شده است. به این صورت که در روستای لگزی ٦ مصاحبه عمیق فردی به صورت نمونه‌گیری هدفمند (مصاحبه‌های انجام گرفته با مدیران روستایی، معتمدان، فعالان بخش زراعت، دامداری و صیادی) و سه گروه (با شرکت اقشار مختلف روستای مورد مطالعه در گروه‌های ۵، ۷ و ۹ نفره) تشکیل داده شد. هم چنین در روستای گل‌تپه ۷ مصاحبه عمیق فردی به صورت نمونه‌گیری هدفمند (مصاحبه‌های انجام گرفته با مدیران روستایی، معتمدان، یک نفر از زنان فعال در تولید صنایع دستی، یک نفر از جوانان تحصیل‌کرده و بیکار روستا و یک نفر از فعالان مشاغل خدمات روستا) و سه مصاحبهٔ گروهی (با شرکت اقشار مختلف روستای مورد مطالعه در گروه‌های ۸، ۵ و ۹ نفره) تشکیل داده شد.

1. Thematic Analysis

مصاحبه‌های مذکور در بازهٔ زمانی شهریور سال ۱۳۹۷ تا اردیبهشت ۱۳۹۸ انجام شده است و مبنای اتمام مصاحبه‌ها اشباع نظری بوده است. اشباع نظری معیاری است برای تعیین تعداد نمونه‌ها که براساس آن محقق تا جایی مصاحبه‌ها را ادامه می‌دهد که پاسخ به سؤال‌های عمده تحقیق اشباع شده یا داده‌های جدیدی در فرآیند گردآوری داده‌ها تولید نشود.

در این مطالعه از میان انواع طرح‌های تحلیل مضمونی برای تحلیل داده‌ها، از طرح براون و کلارک[1] (۲۰۰٦) استفاده شده است. براون و کلارک فرآیند تحلیل داده‌ها را دارای سه مرحلهٔ عمومی توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و ادغام و یکپارچه کردنِ دوباره متن می‌دانند. بر این اساس، در مرحلهٔ توصیف، داده‌ها در یک نظم و پیوستار زمانی قرارگرفته‌اند و کدگذاری اولیه روی آن‌ها انجام شده است. این مرحله شامل ۳ گام آشنا شدن با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جستجو و شناخت مضامین بوده است. در مرحلهٔ تحلیل، داده‌ها سازمان‌دهی، تنظیم و مقوله‌بندی انجام شده است. کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها در این مرحله صورت گرفته است و دو گام مهم در تفسیر داده‌ها برداشته شده است. گام اول استخراج مضامین است و گام دوم برقراری ارتباط میان مضامین در یک نقشهٔ مضمونی مناسب است. بر این اساس، پس از تقلیل داده‌ها و رسیدن به کدهای باز اولیه، مضامین اصلی تعیین و رابطهٔ بین آن ها بررسی و نهایی شده است. در مرحله ترکیب و ادغام متن، نیز گزارش نهایی که شامل تحلیل دوباره مضامین و مرتبط کردن آن‌ها با ادبیات نظری است، صورت گرفته است. این تفسیرها عمدتاً با رویکرد مقایسه‌ای انجام شده‌اند. در این مرحله تدوین گزارش صورت گرفته است.

در ارتباط با ارزیابی نتایج پژوهش، معیارهای ارزیابی تحلیل مضمون، در راستای همان معیارهای ارزیابی تحقیقات کیفی است. با این وجود، برخی از نویسندگان روش تحقیق کیفی، معیارهای ارزیابی اعتبار تحلیل مضمون را بیان نموده‌اند. از نظر کینگ و هاروکس[2] (۲۰۱۰) این معیارها عبارت‌اند از: استفاده از کدگذاران مستقل، دریافت بازخورد از مشارکت کنندگان و پاسخگویان، به کارگیری تطابق همگونی و عرضهٔ توصیفی غنی و ثبت سوابق ممیزی (شجاعی

1. Braun & Clarke
2. King & Horrocks

جشوقانی، احمدی علون آبادی، جزایری و اعتمادی، ۱۳۹۷، صص. ٦٦-٦٥). در این پـژوهش از روش اعتبارسنجی استفاده از کدگذاران مستقل استفاده شده است. هدف از این کـار، اثبـات روایی و پایایی تحلیل مضمون نیست، بلکه کمک به پژوهشگر است تا به طور انتقادی دربـارهٔ ساختار مضامین پیشنهادی خود و تصمیماتی کـه دربـارهٔ کدگـذاری گرفتـه اسـت، فکـر کنـد. کدگذاری مستقل به عنوان راهی برای اجتناب از عدم عینیت تحلیل‌گر به کار می‌رود. برای نیل به این هدف، از افراد متخصص در زمینهٔ موضوع پژوهش خواسته شده که متون مورد بررسـی نمونه‌هایی از متن مصاحبه را کدگذاری نمایند و سپس نتیجـه حاصـل از کدگـذاری آن‌هـا بـا کدگذاری محققین مورد مقایسه قرار گرفته و در نتیجه آن، برخی از کدها مـورد بـازبینی قـرار گرفتند. لازم به ذکر است که در همه مراحل کدگذاری، این کار به صـورت جداگانـه صـورت گرفته است تا نتیجهٔ بازخوردها بتواند در کدگذاری مراحل بعدی تأثیرگذار باشد.

٤. یافته‌های پژوهش

با توجه به وابستگی غیرقابل انکار فعالیت اقتصادی و معیشت روسـتاییان اسـتان بـه منـابع آبی، طی سال‌های اخیـر سیاسـت دوگانـه‌ای در خصـوص تخصـیص ذخـایر آبـی سـدها بـه سکونتگاه‌های روستایی اعمال شده است. به این صورت که برای تعداد معـدودی از روسـتاها امکان قانونی استفاده و بهره‌برداری از منابع آبی فراهم شده است و دیگر روستاها از استفاده از این منابع، محروم هستند. اعمـال ایـن سیاسـت، منجـر بـه شـکل‌گیـری دو تیـپ متفـاوت از سکونتگاه‌های روستایی در استان کردستان شده که به لحاظ اقتصادی و به تبـع آن مؤلفـه‌هـای اجتماعی و حتی زیست‌محیطی، با یکدیگر دارای تفاوت‌های بنیادی هستند.

در میان دو جامعه و تیپ ناهمگون سـکونتگاه‌هـای روسـتایی اسـتان کردسـتان بـه لحـاظ برخورداری از منابع آبی سدها، روستاهای لگزی و گل‌تپه از توابـع شهرسـتان سـقز دو نمونـهٔ بارز اعمال سیاست دوگانه تخصیص منابع آبی سدها به جوامع روسـتایی هسـتند کـه در ایـن پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سابقهٔ استفاده سـاکنان روسـتای لگـزی از منـابع آب سـد شهید کاظمی به سال ۱۳۸٤ برمی‌گردد و از آن زمان تاکنون روستاییان با روند فزایندهٔ تدریجی از ذخایر آبی این سد استفاده می‌کنند. بـا توجـه بـه پیونـد عمیـق و درهـم‌تنیـدهٔ میـان بنیـان

اقتصادی، اجتماعی و معیشتی روستاییان با منابع آبی و شکل‌گیری دو الگو و سبک زندگی متفاوت در اثر اعمال سیاست مدیریت منابع آبی سدها، در ادامه ادراک و تفسیر جامعهٔ روستایی از اعمال این سیاست مورد تحلیل و قیاس قرار گرفته است.

٤. ۱.درک معنایی ساکنان روستای لگزی از پیامدهای تخصیص آب سدها به آن‌ها

بر اساس روش تحلیل مضمونِ مصاحبه‌ها فردی و گروهی انجام شده با ساکنین روستای لگزی، پیامدهای تخصیص آب سد شهید کاظمی شامل چهار مضمون فراگیر پایداری اقتصاد محلی، پایداری اجتماع محلی، شکوفایی انگیزه پیشرفت و افزایش سازگاری با محیط می‌شود که هر یک از این مضامین، برگرفته از مضامین سازمان‌دهنده متعددی (در مجموع ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده) هستند و خود این مضامین سازمان‌دهنده، از ٤۷ مضمون پایه احصاء شده‌اند (جدول ۲). در ادامه نحوه احصاء هر یک از مضامین فراگیر طی فرایند مصاحبه‌های انجام گرفته تشریح شده است.

جدول ۲. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر احصاء شده حاصل از کدگذاری مصاحبه‌های روستای لگزی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
کاهش میزان بیکاری افزایش قیمت زمین زراعی نیاز به بکارگیری نیروی کار خارج از روستا عرضه و فروش مازاد علوفه تولید شده و ...	افزایش تنوع و سطح تولیدات و مشاغل شکل‌گیری مازاد تولید ارتقای سطح درآمد و ارزش دارایی‌ها ارتقای سطح مالکیت منابع سرمایه‌ای	پایداری اقتصاد محلی
بازگشت مجدد چندین خانوار به روستا افزایش مشارکت و همکاری اهالی افزایش گرایش جوانان به زندگی در روستا احساس خوشبختی از زندگی در روستا و ...	ارتقای سرمایه اجتماعی افزایش جمعیت مهاجرت معکوس افزایش تعلق مکانی	پایداری اجتماع محلی
لزوم احداث کارگاه و کارخانه فرآوری تولیدات	نیاز به توسعهٔ زیرساخت‌های فرآوری و عرضه تولیدات	شکوفایی انگیزه موفقیت

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
لزوم برگزاری کارگاه‌های آموزشی نوین و ...	ضرورت ارتقای سطح دانش و آگاهی شغلی	
لزوم استفاده از منابع آبی به روش مکانیزه	تغییر الگوی کشت	افزایش سازگاری با محیط
فراهم شدن امکان کشت دو بار در سال	استفاده بهینه از منابع آب	
تغییر نوع کشت (از دیم به آبی) و ...	کاهش اثرات ناهنجاری‌های محیطی	

٤. ١. ١. پایداری اقتصاد محلی

پایداری اقتصاد محلی اولین مضمون فراگیر شناسایی شده حاصل از درک ساکنان روستای لگزی از تخصیص منابع آبی به آن‌ها است. بر مبنای مصاحبه‌های صورت گرفته این مضمون برگرفته از مفاهیم سازمان‌دهندهٔ افزایش تنوع و سطح تولیدات و مشاغل، ارتقای سطح درآمد و ارزش دارایی‌ها، ارتقای سطح مالکیت منابع سرمایه‌ای و شکل‌گیری مازاد تولید بوده است. این مضامین احصاء شده تداعی کننده شکل‌گیری اقتصادی پایدار در سطح روستای لگزی هستند که در ادامه تشریح شده است.

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده طی فرایند تخصیص منابع آب سد شهید کاظمی به ساکنان روستای لگزی، روستاییان توانسته‌اند به کشت محصولات متنوعی از جمله کشت یونجه، کلزا، چغندر قند، سیب‌زمینی، گندم آبی، ذرت، صیفی‌جات و ... اقدام کنند. یک نفر از زارعان روستا در این زمینه چنین عنوان می‌کند: «قبلاً امکان کشت محصولات آبی در روستا وجود نداشت». به دنبال شکل‌گیری تنوع کشت در روستا، مشاغل مختلفی در روستا نیز شکل گرفته است. اشتغال روستایان در بخش ماهیگیری و عضویت در تعاونی ماهیگیران، جزو مشاغلی هستند که قبلاً هیچ اثری از آن در روستا نبوده است. به این صورت که ساکنان هر سال از تاریخ ۱۵ مهر تا ۱۲ اسفند (زمانی که فعالیت در بخش زراعت نیاز کمی به نیروی کار دارد)، از طریق تعاونی صیادان در بخش مذکور فعالیت دارند. همچنین شکل‌گیری مشاغلی تحت عنوان تولیدکننده محصولات مختلف از دیگر اثرات تخصیص آب سد به ساکنان روستا است. یکی از ساکنان در این خصوص چنین عنوان می‌کنند: «من چغندرکار نمونهٔ روستا هستم و دوستم در کشت ذرت تبحر خاصی دارد». با توجه به کاربر بودن فعالیت در بخش

زراعت، تمامی افراد واقع در سن فعالیت روستا، در مراحل مختلف تولید محصولات زراعی مشغول به کار هستند تا جایی که در بسیاری از موارد به علت نبود نیروی کار بومی در روستا، زارعان اقدام به استخدام کارگر روزمزد از روستاهای همجوار و حتی شهر سقز می‌نمایند. ذکر این مطالب توسط یکی از اهالی روستا که «در فصل تابستان و اوایل فصل پاییز، مجبوریم از نیروی کار مورد نیازمان را از خارج روستا تأمین کنیم»؛ و «امسال ۱۸ نفر غیر بومی به مدت ۱۵ روز متوالی در جمع‌آوری سیب‌زمینی به من کمک کرده‌اند»، مؤید این مطالب است. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها مؤید این مطلب است که عملکرد تولیدات زراعی در روستا، به واسطهٔ توسعهٔ کشت آبی، افزایش قابل توجهی داشته است. تفاوت میزان عملکرد تولیدات زراعی در بین دو شیوهٔ کشت دیم و آبی امری مهم است که کارشناسان و متخصصان امر زراعت بر آن اذعان دارند. مضامین پایه فوق بر مضمون «**افزایش تنوع و سطح تولیدات و مشاغل**» در روستای لگزی دلالت می‌کنند.

نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد در نتیجهٔ افزایش عملکرد تولیدات زراعی، میزان محصولات تولیدشده بیشتر از نیاز روستاییان بوده است و به نوعی محصولات تولیدشدهٔ مازاد بر مصرف هستند. یک نفر از روستایان در این خصوص چنین عنوان کرده است: «شکر خدا تولیدات زراعی ما بیشتر از حدی است که برای مصرف خودمان نیاز داریم». فرایند فوق نشان‌دهندهٔ «**شکل‌گیری مازاد تولید**» در روستای لگزی است.

تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته نشان می‌دهد در اثر افزایش سطح تولیدات زراعی، به‌وجود آمدن تنوع شغلی و فروش مازاد تولیدات زراعی، میزان سود و درآمد روستاییان تا حد قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. همچنین به‌واسطهٔ سودآوری فعالیت زراعی روستاییان، ارزش زمین‌های زراعی آبی، ارتقای قابل ملاحظه‌ای یافته است. بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها، به واسطهٔ اهمیت یافتن فعالیت اقتصادی در روستا، قیمت زمین‌های مسکونی و مسکن روستاییان نیز افزایش یافته است. ذکر چند عبارت از روستاییان در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد: «از میزان درآمدمان راضی هستیم»؛ «ارزش هر هکتار زمین دیم در روستا، حدود ۷۰ میلیون تومان است اما قیمت هر هکتار زمین آبی بیش از ۲۰۰ میلیون تومان است»؛ و «ارزش

زمین‌های مسکونی ما دو برابر شده است». بدین ترتیب مضامین پایه فـوق بسـتر شـکل‌گیـری مضمون سازمان‌دهنده «**ارتقای سطح درآمد و ارزش دارایی‌ها**» را فراهم نموده‌اند.

بخش دیگـری از تحلیـل مصـاحبه‌هـا نشـان داد در نتیجـهٔ اثرپـذیری وضـعیت اقتصـادی روستاییان از تخصیص منابع آبی به آن‌ها، تعـداد وسـایل نقلیـه سـبک و سـنگین، پمـپ آب، ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی در روسـتا افـزایش قابـل ملاحظـه‌ای داشـته اسـت. همچنـین تحلیل‌های انجام‌گرفته نشان داد میزان خرید املـاک مختلـف و سـرمایه‌گـذاری در روسـتاهای مجاور و حتی شهر سقز، توسط اهالی دارای روند صعودی است. در این خصوص روسـتاییان عنوان کرده‌اند که: «تقریباً هر دو خانوار یک تراکتور دارند»؛ «٤٠ پمپ آب در محدوده روسـتا فعال است»؛ و «در روستای قلعهٔ کهنه زمین زراعی خریداری کرده‌ام». مضمون‌های پایـه فـوق بر شکل‌گیری مضمون سازمان‌دهنده «**ارتقای سطح مالکیت منابع سرمایه‌ای**» دلالت دارند.

٤. ١. ٢. پایداری اجتماع محلی

دومین مضمون فراگیر احصاء شده در خصوص تفسیر روستاییان از تخصیص منابع آبی به آن‌ها، پایداری اجتماع محلی است. ایـن مضـمون برگرفتـه از چهـار مضـمون سـازمان‌دهنـده (ارتقای سرمایه اجتماعی، افزایش جمعیت، مهاجرت معکوس و افزایش تعلق مکانی) اسـت و مبانی هر یک از آن‌ها، مضامین پایه متعددی هستند که در ادامه شرح داده شده است.

با توجه به ماهیت فعالیت در سکونتگاه‌های روستایی به‌ویژه فعالیت در بخش زراعـت بـه مساعدت و همکاری اعضای روستا به یکدیگر، رونق زراعت در روستای لگزی ساکنان را بـه بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده اسـت. همکـاری روسـتاییان در فصـل‌هـای مختلـف در فعالیت‌هایی نظیر پاشـیدن بـذر، شـخم زدن، برداشـت محصـولات، فـروش محصـولات و ...، موجب تقویت حس مشارکت همکاری میان روستاییان شده اسـت. در ایـن زمینـه روسـتاییان چنین عنوان کرده‌اند: «کار تک نفره در روستا بسیار دشوار است»؛ «همه بـه هـم نیـاز دارنـد»؛ «منافعمان به هم وابسته شده است». این مضامین نشان‌دهنده مضمون سـازمان‌دهنـده «**ارتقـای سرمایه اجتماعی**» در روستای لگزی هستند.

مهاجرت و کاهش جمعیت روستایی یکی از چالش‌های توسعهٔ روستایی در کشورمان از جمله استان کردستان. با این وجود نتایج تحلیل انجام‌گرفته نشان می‌دهد به دنبال رونق اقتصادی ایجاد شده در روستای لگزی جمعیت روستا در سال‌های اخیر نه‌تنها کاهش نیافته است بلکه روند صعودی را طی کرده است. عدم تمایل به مهاجرت، نیاز به نیروی کار در اثر رونق شرایط اقتصادی و از عوامل اصلی افزایش جمعیت در این روستا هستند. نگاهی به وضعیت آمار ثبت‌شده روستا نیز مؤید این مطلب است. چراکه جمعیت روستا از ۳۰۵ نفردر سال ۱۳۹۰ به ۳۵۷ نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵) و با استناد به مصاحبه‌های میدانی طی چند سال گذشته که سرشماری انجام نشده است، جمعیت روستا روند صعودی خود را حفظ کرده است. ذکر چند عبارت از سوی روستاییان به شفاف شدن این فرایند کمک می‌کند: «جوانان از روستا نمی‌روند چون کار و شغل دارند»؛ «اگر فرزندان بیشتری داشته باشم، مشکلی ندارم». ماهیت مطالب فوق تداعی‌گر مضمون سازمان‌دهنده «**افزایش جمعیت**» در روستای لگزی هستند.

تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد به دنبال بهبود شرایط اقتصادی و افزایش جمعیت روستا، طی سال‌های اخیر چند خانوار که قبلاً روستا را ترک کرده‌اند، به روستا بازگشته‌اند. در این خصوص یک نفر از اهالی عنوان می‌کند که «من و خانواده‌ام در شهر سقز اسکان داشتیم ولی سه سال است که به روستا برگشته‌ام»؛ «برادرم با خانواده‌اش نیز برمی‌گردند». مراجعه به نتایج مرکز آمار کشور نیز نشان‌دهنده افزایش تعداد خانوارهای روستای لگزی از ۸٤ خانوار به ۱۱۰ خانوار طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵). این مضامین و مستندات نشان‌دهنده شکل‌گری پدیده «**مهاجرت معکوس**» در روستای لگزی هستند.

تحلیل‌های انجام گرفته نشان می‌دهد با بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی ساکنان روستای لگزی که به شدت متأثر از تخصیص منابع آبی بوده است، سطح رضایتمندی ارتقاء یافته است. رضایت یک مقولهٔ نسبی و روانی است که در صورت بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی منجر به شکل‌گیری احساس آرامش و رفاه ذهنی در فرد می‌شود. یک نفر از جوان روستا در این خصوص می‌گوید «از شرایط زندگی در روستا راضی هستم و احساس خوشبختی می‌کنم». مقایسهٔ وضعیت روستای لگزی با دیگر روستاها و القای این ذهنیت به

اهالی که شرایط روستای آن‌ها نسبت به دیگر روستاها، در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد، از دیگر نتایج تحلیل مصاحبه‌ها بوده است. تقویت حس ماندگاری در روستا به واسطهٔ شرایط مناسب فراهم شده، از دیگر مضامین شناسایی شده در مصاحبه‌ها بود. در ادامه چند نقل قول در این زمینه ارائه شده است: «هیچ جایی بهتر از اینجا نیست»؛ «زمین‌هایم را با هیچ چیزی عوض نمی‌کنم»؛ «مایلم در روستا ازدواج کنم». دقت در ماهیت مضامین فوق نشانگر شکل-گیری «**افزایش تعلق مکانی**» در میان اقشار مختلف ساکن در روستای لگزی است.

٤. ١. ٣. شکوفایی انگیزه موفقیت

انگیزهٔ موفقیت یکی از نظریه‌های توسعهٔ منتسب به مک کلند[1] (۱۹۷٦) است. بر اساس این نظریه فرد مایل است کارها را بهتر، سریعتر و با زحمت کمتر و بازده بیشتر انجام دهد. مک کله‌لند ارزش‌ها، انگیزه و نیروهای روانی را تعیین‌کننده توسعه می‌داند و از نظر او انگیزه موفقیت دارای دو جنبه است جنبهٔ اول فضیلت شخصی است و جنبهٔ دوم فضیلت اجتماعی است یعنی علاقه به سعادت دیگران و احساس مسئولیت در قبال سعادت آن‌ها (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷، صص. ۱۱٤–۱۱۳). بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها سومین مفهوم فراگیر شناسایی‌شده مرتبط با تفسیر معنایی ساکنان از تخصیص منابع آبی به آن‌ها، «شکوفایی انگیزه موفقیت» است که منشأ آن به دو مضمون نیاز به توسعهٔ زیرساخت‌های فرآوری تولیدات و ضرورت ارتقای سطح دانش و آگاهی شغلی بر می‌گردد که در ادامه فرایند شکل‌گیری آن‌ها ارائه شده است.

به تبعیت از شرایط مطلوب پدیدآمده برای ساکنان روستای لگزی و فراهم شدن فرصت‌های مختلف توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی، روستاییان سعی دارند تمامی امور را به بهترین شیوهٔ انجام دهند. شکل‌گیری انگیزهٔ برقراری ارتباط مستقیم بازاهای عمده و از بین بردن واسطه‌ها، بازاریابی الکترونیک، احداث انبار، سردخانه و کارگاه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، صدور تولیدات و محصولات به کشور عراق تنها بخشی از ادراکات روستاییان است. در این رابطه چند نفر از روستاییان چنین عنوان کرده‌اند: «دیگر اجازه

1. McClelland

نخواهیم داد واسطه‌ها سود کار ما بخورند»؛ «پیگیر صادر کردن محصولات به کشور عراق هستیم»؛ «متوجه شده‌ایم در استان کردستان حتی یک کارخانهٔ چغندر وجودندارد. ما مجبوریم محصولاتمان را با هزینهٔ زیاد به کارخانه‌های دیگر استان‌ها بفرستیم»؛ «احداث یک سردخانهٔنگهداری محصولات ضروری است». دقت در معنا و مفهوم مطالب فوق نشانگر تشکیل مضمون «نیاز به توسعهٔ زیرساخت‌های فرآوری و عرضه تولیدات» را فراهم نموده است.

نتایج در خصوص تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته نشان داد ساکنان تمایل دارند فعالیت‌های خود را بر مبنای فناوری‌ها و دستورالعمل‌های جدید ارائه شده از سوی متخصصان و کارشناسان جهاد کشاورزی پیش ببرند، چراکه به اعتقاد آن‌ها استفاده از این دانش، الگوها و توصیه‌های کارشناسان در مراحل مختلف کاشت، داشت، برداشت و حتی فروش محصولات، سود بیشتری را عاید روستاییان خواهد نمود. در این خصوص یک نفر از زارعان می‌گوید: «نهایت سعی‌مان بر این است که بر اساس نظرات کارشناسان کار کنیم»؛ «برای تهیه و استفاده انواع سموم و کودها و ... نظرات کارشناسان موثرتر است». همچنین نتایج نشان داد انگیزهٔ دانش‌اندوزی و کسب معلومات بیشتر در خصوص نحوهٔ فعالیت آن‌ها در میان روستاییان نهادینه شده است. به این صورت که آن‌ها تمایل دارند برای کسب دانش و معلومات بیشتر از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های مختلف و مؤثر، هزینه پرداخت نمایند. کما اینکه چند نفر از ساکنان گواهی شرکت در کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مربوطه را اخذ کرده بودند. ذکر چند نکته از سوی اهالی در این رابطه اهالی چند نکته زیر را بیان کرده‌اند: «حاضریم در قبال آموزش روش‌ها و شیوه‌های کاربردی و جدید تولید محصولات، هزینه پرداخت کنیم»؛ «در چند دوره و کارگاه آموزشی مربوط به زراعت شرکت کرده‌ایم»؛ «باید سطح دانش و آگاهی‌مان را ارتقا دهیم». مضامین و مطالب فوق تداعی‌کنندهٔ شکل‌گیری «**ضرورت ارتقای سطح دانش و آگاهی شغلی**» در میان ساکنان است که یکی از پایه‌های شکل‌گیری انگیزهٔ موفقیت و پیشرفت را تشکیل می‌دهد.

٤. ١. ٤. افزایش سازگاری با محیط

نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد چهارمین مضمون فراگیر شناسایی در خصوص درک معنایی ساکنان روستای لگزی از پیامدهای تخصیص منابع آبی به آن‌ها، «افزایش سازگاری با محیط است» که مبنای آن مضامین سازمان‌دهندهٔ «تغییرالگوی کشت»، «استفادهٔ بهینه از منابع آب» و «کاهش اثرات ناهنجاری‌های محیطی» است. در ادامه در خصوص هر یک از مضامین مذکور، ادراکات روستاییان تحلیل و ارائه شده است.

با توجه به اختصاص منابع آبی به ساکنان روستای لگزی و بهره‌مندی آن‌ها از منابع آبی، به تدریج کشت محصولات دیم جای خود را به محصولات آبی داده‌اند و در حال حاضر محصولاتی مانند یونجه، چغندرقند، سیب‌زمینی، ذرت و ... در روستا کشت می‌شود که قبل از فرایند تخصیص آب، در روستا امکان کشت آن‌ها در مقیاس وسیع وجود نداشته است. همچنین تحلیل‌ها نشان می‌دهد در حال حاضر امکان کشت دوبار در سال، برای بعضی از محصولات به‌ویژه در زمینه تولید ذرت علوفه‌ای، فراهم شده است. همچنین تحلیل‌ها نشانگر این مطلب است که در صورت تخصیص منابع آبی بیشتر به روستای لگزی، بقیه زمین‌های زراعی دیم نیز زیرکشت محصولات آبی خواهند رفت. در این رابطه روستاییان چنین عنوان کرده‌اند که «قبلاً تولیدات ما بیشتر گندم، جو، نخود و عدس بود اما اکنون محصولات آبی جایگزین آن‌ها شده است»؛ «در حال حاضر تقریباً نصفی از زمین‌های زراعی ما (۷۵۰ هکتار) زیر کشت آبی است، اگر مقدار آب بیشتری به ما اختصاص داده شود، شرایطمان خیلی بهتر می‌شود»؛ «از زمینم سالی دو محصول برداشت می‌کنم». فرایند فوق تداعی کننده مضمون «**تغییر الگوی کشت**» در روستای لگزی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد قبل از تخصیص منابع آبی به ساکنان روستای لگزی، منابع محدود آب پاسخگوی کشت و زرع همهٔ اهالی نبوده و ساکنان از منابع آب محدود به صورت سنتی استفاده کرده‌اند. اما بعد از تخصیص منابع آب سد شهید کاظمی به آن‌ها، شیوهٔ آبیاری نوین (آبیاری بارانی و قطره‌ای) در روستا متداول شده است. شیوهٔ آبیاری مکانیزه علاوه‌بر صرفه-جویی در مصرف آب، راندمان آبیاری را به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. لازم به ذکر است در حال حاضر فرایند انتقال آب سد به زمین‌های زراعی نیز از طریق لوله‌های انتقال

آب بوده و تا حد قابل توجهی از تبخیر آب جلوگیری می‌کند. در این رابطه روستاییان چنین عنوان کرده‌اند که «هر قطره آب برای ما ارزش طلا را دارد»؛ «آبیاری غرقابی و انتقال آب از طریق جوب‌های سرباز، در روستا انجام نمی‌شود»؛ «میزان هدر رفتن آب در آبیاری بارانی و قطره‌ای نسبت به آبیار سنتی بسیار کم است»؛ «از نظر من با وجود امکانات آبیاری جدید، آبیاری با شیوهٔ سنتی، کُفر نعمت خداوند است». دقت در ماهیت مطالب و مضامین فوق، نشان‌دهنده شکل‌گیری مضمون «**استفادهٔ بهینه از منابع آب**» توسط ساکنان روستای لگزی است.

در نواحی روستایی که کشت غالب به صورت دیم است، زارعان در برابر تنش‌های زیست‌محیطی به‌ویژه بحران خشکسالی و کم‌آبی بسیار آسیب‌پذیر هستند. زیرا در صورت کمبود بارش، آب کافی در اختیار محصولات قرار نمی‌گیرد و عملکرد کشت و زرع به شدت کاهش می‌یابد. طرف مقابل کشت دیم، کشت آبی است. در روستای لگزی به‌واسطهٔ برخورداری روستاییان از منابع آب سد، خطرات بحران خشکسالی تا حد زیادی کاهش یافته است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد با توجه به اینکه اکثر محصولات آبی در اواخر فصل بهار و اوایل فصل تابستان کشت می‌شوند، در عمل اثر مخاطرات اقلیمی به‌ویژه تگرگ، سرمازدگی و سیل به ندرت بر فعالیت روستاییان اثرگذار است. در حالی که تغییرات اقلیمی توان قابل توجهی را در تخریب محصولات دیم دارند چراکه اوج مخاطراتی نظیر سیل، تگرگ، سرمازدگی و .. در فصل‌های زمستان و بهار رخ می‌دهد. در مجموع در حال حاضر روستاییان خود را با شرایط محیطی که بر اثر فرایند انتقال آب در روستا به‌وجود آمده است، تطابق داده‌اند و به نوعی خود را با این شرایط سازگار کرده‌اند. ذکر چند عبارت از سوی روستاییان در این زمینه به روشن شدن موضوع کمک می‌نماید: «از شر خشکسالی خلاص شده‌ایم»؛ «خطر کمبود بارش، تگرگ و سرما خیلی کم شده است»؛ «آب که آمده کمتر خسارت می‌بینیم». مطالب و مضامین عنوان شده بر «**کاهش اثرات ناهنجاری‌های محیطی**» در روستای لگزی دلالت دارد که روستاییان به شیوه‌های مختلف بر آن تأکید داشته‌اند.

٤. ۲. درک معنایی ساکنان روستای گل‌تپه از پیامدهای عدم تخصیص آب سدها به آن‌ها

با استناد به تحلیل مضمونِ مصاحبه‌ها فردی و گروهی انجام‌شده با ساکنین روستای گل-تپه، پیامدهای عدم تخصیص آب سد شهید کاظمی شامل چهار مضمون فراگیر احساس محرومیت نسبی، شکنندگی اقتصاد محلی، ناپایداری اجتماع محلی و خدماتی شدن مشاغل می‌شود که هر یک از این مضامین، برگرفته از مضامین سازمان‌دهندهٔ متعددی (در مجموع ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده) هستند و خود این مضامین سازمان‌دهنده، از ۵۸ مضمون پایه احصاء شده‌اند (جدول ۳). در ادامه نحوه احصاء هر یک از مضامین فراگیر شرح داده شده است.

جدول ۳. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر احصاء شده حاصل از کدگذاری مصاحبه‌های روستای گل-تپه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
بی‌توجهی مسؤولان به مشکلات روستاییان تفاوت قائل شدن میان روستاها پایمال شدن حق و حقوق اهالی و ...	شکل‌گیری احساس تبعیض بدبینی به عملکرد نهادهای متولی ضعف زیرساخت‌های اساسی	احساس محرومیت نسبی
نیاز کشت و زرع دیم به نیروی کار محدود از بین رفتن محصولات در صورت کمبود بارش فعالیت زنان در تهیه تابلو فرش با حداقل دستمزد پایین بودن درآمد حاصل از کشت و زرع دیم و ...	بیکاری پایین بودن تنوع شغلی و درآمد آسیب‌پذیری تولیدات	شکنندگی اقتصاد محلی
افزایش مهاجرت جوانان از روستا دشواری تأمین مخارج زندگی در روستا احساس ناامیدی و ...	کاهش جمعیت روستا کاهش سطح رضایتمندی تضعیف تعلق مکانی	ناپایداری اجتماع محلی
پرداختن جوانان به کارگری فصلی افزایش مشاغل رانندگی، فروشندگی و ...	اتکا به نقش میان‌راهی روستا شکل‌گیری مشاغل روزمزدی	خدماتی شدن مشاغل روستا

٤. ۲. ۱. احساس محرومیت نسبی

احساس محرومیت نسبی اولین مضمون فراگیر شناسایی شده حاصل از درک ساکنان روستای گل‌تپه از عدم تخصیص منابع آبی به آن‌ها است. بر مبنای مصاحبه‌های صورت گرفته

این مضمون برگرفته از سه مفهوم سازمان‌دهنده شکل‌گیری احساس تبعیض، بدبینی به عملکرد نهادهای متولی و ضعف زیرساخت‌های اساسی است. مضامین احصاء شده فوق، بر شکل‌گیری مضمون احساس محرومیت نسبی در میان ساکنان روستای گل‌تپه دلالت دارند.

نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد جامعهٔ محلی از عدم تخصیص منابع آب سد به آن‌ها، با شیوه‌های مختلف گله‌مندی خود را ابراز نموده‌اند. چراکه احساس می‌کنند استفاده از آب سد حق طبیعی و مسلم آن‌ها است و باید هیچ تفاوتی میان آن‌ها و روستاها مجاور و حتی دیگر مناطق کشور وجود نداشته باشد. فاصلهٔ حدود شش کیلومتری سد از روستای مورد مطالعه در شکل‌گیری احساس تبعیض میان روستاییان موثر بوده است. در این خصوص روستاییان عنوان کرده‌اند: «مگر ما با بقیه مردم که به آن‌ها آب اختصاص داده شده است، چه تفاوتی داریم»؛ «هر روز با حسرت زیادی به سد نگاهی می‌کنم، اما چه فایده». مفاهیم فوق دال بر شکل‌گیری مضمون سازمان‌دهندهٔ «**شکل‌گیری احساس تبعیض**» در میان جامعهٔ محلی است.

بررسی‌ها نشان داد با عدم تخصیص آب سد به ساکنان روستای مورد مطالعه، نوعی شک و ترید و به نوعی میزان اعتماد به مسؤولان و نهادهای متولی در میان اهالی در حال تضعیف شدن تدریجی است. چراکه برخی از مسؤولان که نماینده نهاد و یا سازمان مطبوع خویش هستند، در جلساتی در خصوص تخصیص منابع آبی به روستاییان قول مساعدت به روستاییان را داده‌اند که تاکنون این وعده‌ها عملی نشده است. همچنین روستاییان برای تحقق انتقال آب به روستای آن‌ها، درخواست‌های متعددی را به سازمان‌ها مربوطه ارسال نموده‌اند. در این رابطه روستاییان عنوان کرده‌اند که «امیدی به مسئولان و ادارات نداریم»؛ «وعده می‌دهند و عمل نمی‌کنند»؛ «چندین بار درخواستمان را مطرح کرده‌ایم، اما بی‌نتیجه است». فرایند مذکور دال بر شکل‌گیری مضمون «**بدبینی به عملکرد نهادهای متولی**» در محدودهٔ مطالعاتی است.

یافته‌ها نشان داد کمتر از سه درصد اراضی روستاییان به صورت کشت آبی است و بقیه اراضی دیم هستند. استفادهٔ روستاییان از این منابع آب محلی نیز به صورت سنتی است. فقدان تجهیزات و تکنولوژی نوین، راندمان آبیاری در اراضی آبی را به شدت پایین آورده است. دشواری و در مواردی غیرممکن بودن کسب مجوز برای برقی‌کردن موتورهای آب، قطعی برق در فصل تابستان، اختصاص بخش قابل توجهی از آب زراعی برای تأمین آب شرب

روستا در کنار نیمه‌کاره بودن اجرای طرح هادی، عدم ساماندهی بافت تاریخی روستا، نبود پارک و فضای تفریحی–ورزشی، ضعف خدمات بهداشتی و آموزشی، ضعف آنتن‌دهی موبایل و اینترنت و ... و فاصله از مراکز ضروری، دست به دست هم داده و بستر شکل‌گیری مضمون «**ضعف زیرساخت‌های اساسی**» را فراهم نموده‌اند. در این زمینه روستاییان چنین عنوان کرده‌اند: «آب زراعی کمی که هم داریم، با روش سنتی مصرف می‌شود»؛ «نمی‌توانیم همین آب زراعی موجود را درست استفاده کنیم»؛ «مجوز برقی کردن چاه‌ها را به سختی می‌دهند و هزینهٔ بسیار زیادی دارد»؛ «قبلاً مکانیزه کردن زمین‌های آبی، مجانی بود و الان بخشی از اعتبار آن را تخصیص می‌دهند».

٤. ٢. ٢. شکنندگی اقتصاد محلی

سه مفهوم سازمان‌دهندهٔ بیکاری، پایین بودن تنوع شغلی و درآمد و آسیب‌پذیری تولیدات مبنای شکل‌گیری مضمون فراگیر شکنندگی اقتصاد محلی هستند که در ادامه نحوهٔ حصول آن تشریح شده است.

نیاز زراعت دیم به نیروی کار محدود و فصلی، پیوند عمیق فعالیت روستاییان به اشتغال در بخش زراعت آبی، نبود فرصت‌های شغلی در روستای و غیرفعال بودن نیروی کار فعال در روستا شرایطی را به وجود آورده است که بخش قابل توجهی از نیروی کار در روستا شاغل نیستند. در این خصوص روستاییان چنین عنوان کرده‌اند که «کشت و زرع دیم نیاز کمی به نیروی کار دارد»؛ «اگر زمین‌های ما آبی بود فقط فصل زمستان بیکار بودیم». مضامین پایه فوق برشکل‌گیری مضمون سازمان‌دهندهٔ «**بیکاری**» در روستای مورد مطالعه دلالت دارند.

درآمد پایین حاصل از کشت و زرع دیم نسبت به کشت آبی، فرصت‌های شغلی پایین حاصل فعالیت در بخش کشت و زرع دیم و همچنین هدر رفتن فرصت‌های توسعهٔ انواع مشاغل (دامپروری، پرورش آبزیان و ...)، محدود نمودن حیطه فعالیت ساکنان برای متنوع سازی اقتصاد روستا (کشت انواع صیفی‌جات، یونجه، ذرت، چغندر قند، کلزا و ...)، گرایش زنان روستا به فعالیت در بخش‌های جانبی با حداقل دستمزد و ... از مفاهیم پایهٔ احصاء شده در روستای مورد مطالعه است. در این خصوص روستاییان چنین عنوان کرده‌اند: «زراعت دیم

فقط گندم و نخود است، چیزی دیگری نمی‌توانیم کشت کنیم»؛ «اکثر فعایت‌های روستا به آب وابسته است که ما نداریم»؛ «اگر آب باشد همه محصولات را می‌توانیم کشت کنیم»؛ «برای تأمین مخارج خانه، از روی اجبار تابلو فرش تهیه می‌کنم، می‌دانم دستمزد زیادی ندارد، اما مجبورم». مضامین پایین فوق، نشان‌گر مضمون سازمان‌دهندهٔ «**پایین بودن تنوع شغلی و درآمد**» در روستای مورد مطالعه هستند.

وابستگی شدید کشت و زرع دیم به نزولات جوی به ویژه در ماه‌های اردیبهشت و خرداد، نوسانات شدید بارش، اثرگذاری شدید ناهنجاری‌های محیطی بر کشت‌های دیم (سرمازدگی، آفت، گرمای زودرس و ..)، ضعف امکان متنوع‌سازی کشت و... شرایطی را به وجود آروده که به تولیدات روستاییان آسیب‌های جدی را وارد می‌نماید. در این رابطه روستاییان چنین عنوان کرده‌اند: «اگر باران نبارد، محصولی نداریم»؛ «اگر کشت آبی داشته باشیم تابستان کشت می‌کنیم، هم سرمازدگی نداریم و آفت هم کمتر است»؛ «موقع ثمردهی گندم، باران نیامد و محصولمان افت شدیدی داشت»؛ «آب باشد مشکلی نداریم»؛ مضامین فوق تداعی‌کنندهٔ مضمون سازمان‌دهندهٔ «**آسیب‌پذیری تولیدات**» در محدودهٔ مطالعاتی هستند.

٤. ٢. ٣. ناپایداری اجتماع محلی

ناپایداری اجتماع محلی از دیگر مضامین فراگیر شناسایی شده در مطالعهٔ حاضر است. این مضمون از مضامین کاهش جمعیت روستا، کاهش سطح رضایتمندی و تضعیف تعلق مکانی، احصاء شده است که هر یک تشریح شده‌است.

از یک طرف در صورت فراهم نبودن شرایط مناسب برای اشتغال و تأمین مخارج زندگی روستاییان، به ویژه جوانان روستا، آن‌ها به ناچار روستای خود را ترک نموده و موجب شکل‌گیری مهاجرت از روستا می‌شود. این در حالی است که روستاییان اعتقاد داشتند درصورت تخصیص منابع آب به ساکنان جامعهٔ روستایی، زمینهٔ اشتغال، کسب درآمد و تنوع شغلی در روستا پدید می‌آید و ساکنان مجبور نیستند برای تأمین مخارج زندگی خود به شهرها و استان‌های همجوار مهاجرت (مهاجرت فصلی و دائمی) نمایند. از طرف دیگر، ضعف شدید فرصت‌های شغلی که بخش عمدهٔ آن در روستای مورد مطالعه به فعالیت در بخش زراعت و

دامداری (مشاغل مرتبط با تخصیص منابع آب) مربوط می‌شود، موانع قابل توجهی در برابر مهاجرت معکوس[1] به روستا است. به گونه‌ای که بسیاری از روستاییان عنوان کرده‌اند که در صورت تخصیص آب، فرزندان و اقواو و بستگان آن‌ها که روستا مهاجرت کرده‌اندف به روستا برمی‌گردد. چند عبارت روستاییان در این زمینه به شرح زیر است: «کمتر جوانی هست که در روستا بماند»؛ «چرا در روستا بمانیم مثل روستای لگزی که کار و شغل نداریم»؛ «در صورت تخصیص آب، دو پسرم و پسرعموهایم به روستا برمی‌گردند». این مضامین پایه نشانگر شکل‌گیری مضون سازمان‌دهندهٔ **«کاهش جمعیت روستا»** هستند. لازم به ذکر است مراجعه به نتایج سرشماری مرکز آمار نیز نشان می‌دهد جمعیت این روستا کاهش یافته است.

نبود فرصت‌های شغلی، درآمد پایین، بیکاری، فقر، زمین زراعی وسیع دیم با عملکرد پایین، مدیریت سنتی و ضعیف منابع آب محلی موجود، وجود آب در نزدیکی روستا و عدم تخصیص به ساکنان روستا در کنار ضعف زیرساخت‌های خدماتی-رفاهی، موجب کاهش سطح کلی رضایتمندی روستاییان شده است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد با عدم تخصیص منابع آب ساکنان روستای گل‌تپه و تخصیص آن به دیگر روستاها، نوعی نابرابری و شکاف اقتصادی میان روستاییان به وجود آمده است. در این رابطه روستاییان چنین عنوان کرده‌اند: «ساکنان روستای لگزی و قلعه کهنه (به این دو روستا آب سد تخصیص یافته است) را می‌بینید چه وضعیتی دارند؟»؛ «اگر این زمین‌های دیم ما آبی می‌شد، خیلی پیشرفت می‌کردیم». مضامین پایه فوق بر شکل‌گیری مضمون سازمان‌دهندهٔ **«کاهش سطح رضایتمندی»** دلالت دارند.

تعلق مکانی از شاخص‌های کلیدی پایداری اجتماعی در جوامع روستایی است که در صورت وجود شرایط مناسب برای زیست یک فرد روستایی و خانواده او، میزان این شاخص تقویت و توسعه خواهد یافت. یافته‌ها نشان می‌دهد به واسطهٔ فراهم نبودن فرصت‌های شغلی، فقر، کمبود درآمد و به نوعی مشکل اساسی روستاییان در خصوص تأمین مخارج زندگی‌شان، مهاجرت از روستا به تدریج سرعت بیشتری گرفته است. از نظر ساکنان روستای گل‌تپه، در

---

۱. منظور از **مهاجرت** معکوس، بازگشت روستاییان مهاجری است که به دلایل مختلف روستا را ترک کرده‌اند.

صورت تخصیص آب سد به آن‌ها، فعالیت در بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها مرتبط رونق می‌گیرد. چراکه این اقدام موجب اشتغال‌زایی، افزایش درآمد، افزایش قدرت ریسک‌پذیری، تنوع کشت، افزایش سطح تولیدات و محصولات، انتقال تکنولوژی جدید به روستا و .. را به همراه دارد که در نتیجه میزان ماندگاری ساکنان در روستا را ارتقاء خواهد دارد. در حال حاضر ساکنان روستای مورد مطالعه با کمبود شدید منابع آب زراعی و حتی شرب مواجه هستند و این معضل به عنوان عامل بازدارنده ماندن ساکنان در روستا عمل می‌کند. در این خصوص روستاییان چنین عنوان کرده‌اند: «معیشت روستاییان به آب وابسته است، الان که آب نداریم معیشتمان در خطر است»؛ «به شهر می‌رویم آنجا حداقل آب شربمان تأمین است»؛ «به روستا علاقهٔ زیادی دارم اما توان تأمین مخارج زندگی را ندارم»؛ «اگر آب سد را به ما اختصاص دهند، هیچوقت روستا را ترک نمی‌کنیم». مضامین پایهٔ شناسایی‌شده نشانگر مضمون سازمان‌دهندهٔ «**تضعیف تعلق مکانی**» در محدودهٔ مطالعاتی هستند.

٤. ۲. ٤. خدماتی شدن مشاغل

خدماتی شدن مشاغل روستا از دیگر مضامین فراگیر شناسایی‌شدهٔ حاصل از ادراک ساکنان روستای گل‌تپه از عدم تخصیص منابع آبی به آن‌ها است. بر مبنای مصاحبه‌های صورت گرفته این مضمون برگرفته از دو مفهوم سازمان‌دهندهٔ اتکا به نقش میان‌راهی روستا و شکل‌گیری مشاغل روزمزدی است. مضامین احصاء شده فوق، دلالت بر شکل‌گیری مضمون خدماتی شدن مشاغل روستا در میان اهالی روستای گل‌تپه است که در ادامه شرح داده شده است.

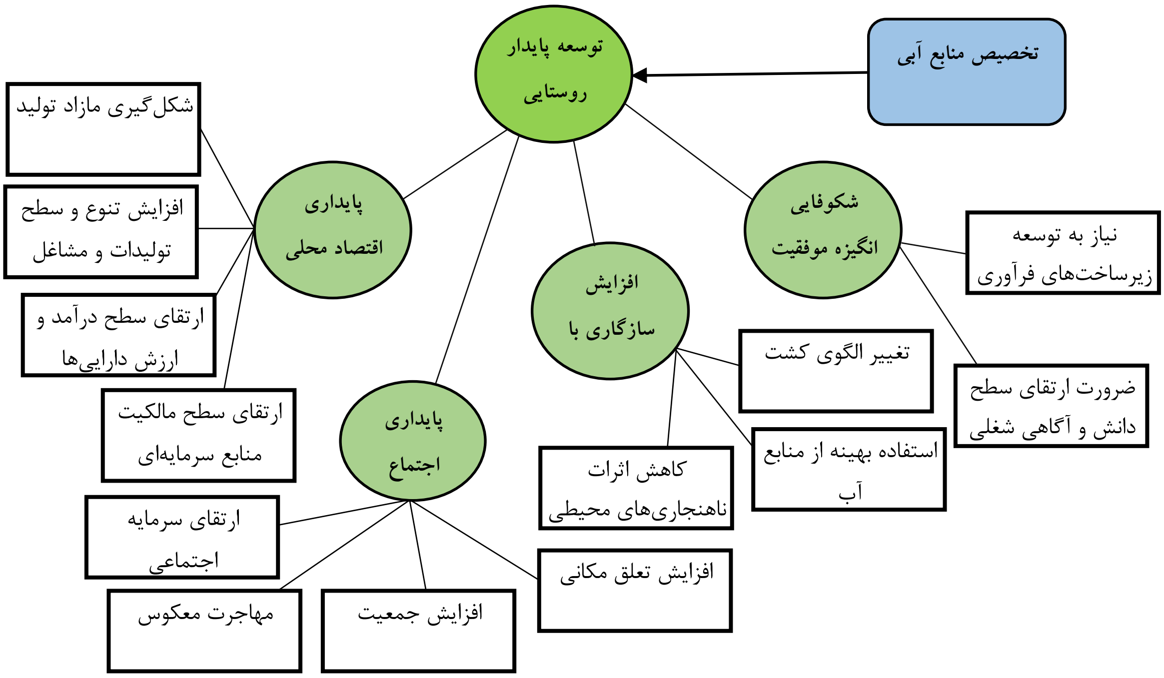
بررسی‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام گرفته نشان داد در اثر تضعیف مشاغل بخش کشاورزی طی سال‌های گذشته که کمبود منابع آب اثر جدی را بر آن گذاشته است. ساکنان به واسطهٔ نقش مرکزیت و بین راهی روستای گل‌تپه، به تدریج به مشاغل خدماتی (فروشگاه، مغازه، بنگاه معاملات ملکی، رانندگی، آرایشگری و ...) روی آورده‌اند. مشاغلی که به علت جمعیت پایین مراجعان و مشتریان، دارای بازدهی کمی هستند. اما روستاییان از سر ناچاری به این مشاغل تکیه کرده‌اند. در این خصوص روستاییان عنوان کرده‌اند که: «از وقتی تأمین مخارج زندگی از طریق زراعت محدوده شده است، روستاییان به این مشاغل روی آورده‌اند»؛ «اصلاً به مغازه‌داری علاقه‌ای ندارم ولی برای تأمین مخارج زندگی این کار را می‌کنم»؛ «اگر

آب سد را به ما اختصاص دهند، مجبور نیستم آرایشگری کنم». مضامین پایهٔ فوق نشانگر «**اتکا به نقش میان‌راهی روستا**» به عنوان یک یک مفهوم سازمان‌دهنده توسط اهالی روستا است.

بررسی‌ها نشان داد در اثر تضعیف مشاغل بخش کشاورزی به واسطهٔ خشکسالی و کمبود منابع آبی، منابع معیشتی روستاییان به مخاطرات جدی از جمله فروش دام، بیکاری، کمبود درآمد، فقر، ناامنی غذایی و ... مواجه شده است. به همین دلیل ساکنان روستا به شیوه‌های مختلف کارگری در سایر شهرها (دیواندره، سقز، تهران، اصفهان، تبریز و ...) و روستاهای همجوار (اواخر فصل بهار تا اواسط فصل پاییز) به صورت روزمزدی برای تأمین مخارج زندگی فعالیت می‌کنند. در این رابطه روستاییان چنین عنوان کرده‌اند: «مشاغل ما اغلب روزمزدی است؛ در فته دو تا سه روز کار داریم»؛ «کارگری شغل بسیاری از جوان روستای ما است»؛ «در فصل تابستان و پاییز برای چیدن سیب‌زمینی و چغندر به روستای لگزی و قلعه کهنه (روستاهایی که آب سد به آن‌ها تخصیص یافته است) می‌رویم». مضامین پایهٔ فوق نشانگر شکل‌گیری مضون سازمان‌دهنده «**شکل‌گیری مشاغل روزمزدی**» هستند.

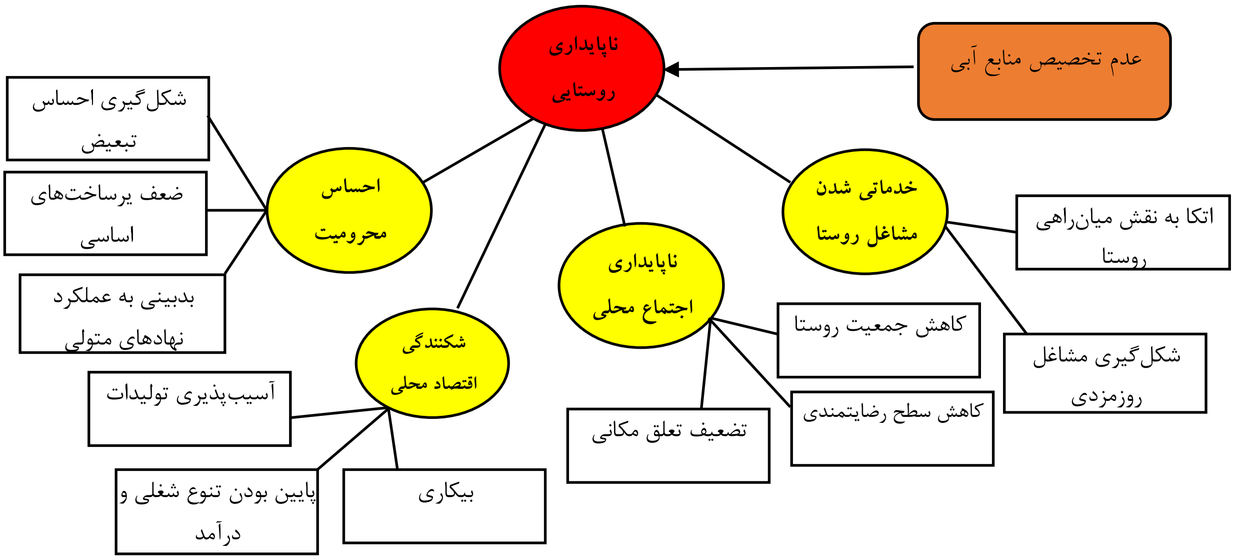
٤. ٣. قیاس الگوی سکونتگاه‌های روستایی برخوردار و محروم از ذخایر آب سدها

بررسی دیدگاه ساکنان دو روستای مورد مطالعه در خصوص تخصیص/ عدم تخصیص منابع آب سد به آن‌ها نشان می‌دهد که ادراکات کاملاً متفاوتی در اثر اجرای این فرایند احصاء شده است. به این صورت که تخصیص آب سد به ساکنان روستای لگزی همراه با مضامین فراگیر مثبتی مانند پایداری اقتصاد محلی، پایداری اجتماع محلی، شکوفایی انگیزه موفقیت و افزایش سازگاری با محیط است که در نهایت مضمون کلان توسعهٔ پایدار روستایی را شکل- داده است. برعکس، ادراک ساکنان روستای گل‌تپه از عدم تخصیص آب سد به آن‌ها با مضامین منفی و بعضاً ایجاد تحول کارکردی روستای مانند احساس محرومیت نسبی، شکنندگی اقتصاد محلی، ناپایداری اجتماع محلی و خدماتی شدن مشاغل روستا، همراه بوده است که در مجموع مضمون کلان ناپایداری روستایی را شکل داده‌اند.



شکل ۱. نقشهٔ تماتیک ادراک ساکنان روستای لگزی از تخصیص منابع آب سد به آن‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



شکل ۲. نقشهٔ تماتیک ادراک ساکنان روستای گل‌تپه از عدم تخصیص منابع آب سد به آن‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

۵. نتیجه‌گیری

طی دهه‌های گذشته در کشورمان در راستای نیل به توسعهٔ روستایی، راهبردهـای متعـددی به اجرا رسیده است که هر یک دارای اثرات مثبت و منفی بر جامعهٔ محلـی بـوده‌انـد. یکـی از مهم‌ترین این راهبردها، تخصیص منابع آب سدها به سکونتگاه‌های روستایی است که می‌تواند در تحول کارکردی ـ ساختاری روستا در ابعاد مختلف توسعهٔ روستایی اثرات قابل تـوجهی را بر جای بگذارد. از این رو بررسی درک معنایی جامعـهٔ روسـتایی از فراینـد تخصـیص/ عـدم تخصیص منابع آب سدها به آن روستاها، موضوع مطالعهٔ حاضر است. نتایج پژوهش نشان داد ادراک ساکنان دو روستای مورد مطالعه از تخصیص/ عدم تخصیص منـابع آب سـد بـه آن‌هـا، دارای تفاوت‌های بنیادی می‌باشد. به گونـه‌ای در روسـتای لگـزی مضـامین «پایـداری اقتصـاد محلی»، «پایداری اجتماع محلی»، «شکوفایی انگیزه موفقیت» و «افزایش سازگاری با محیط» را به همراه داشته که در نهایت مضمون کلان «توسعهٔ پایدار روستایی» را شکل داده، به طوری که این نتایج با نتایج مطالعات ملک‌حسینی و میرک‌زاده (۱۳۹۳) در خصوص روستاهای بهـره‌منـد از آب سد سلیمانشاه، ساعدی و همکـاران (۱۳۹۵)، اکبـرزاده و کـابلی (۱۳۹٦) در خصـوص روستاهای پایین دست سد سیازاخ، امینی و گفتاری (۱۳۹٦) در خصوص سـد ژاوه، حمیـدیان و نصرآبادی (۱۳۹٦)، نادری و کرمی دهکردی (۱۳۹۷) در خصوص سد بهشت‌آباد، دانش‌مهـر و همکاران (۱۳۹۸) و بهاتی و همکاران (۲۰۱۹) که به اثرات مثبت احداث سـدها بـر جوامـع محلی اذعان کرده‌اند، همسو می‌باشد.

بر خلاف روستای لگزی، ساکنان روسـتای گل‌تپـه از عـدم تخصـیص آب سـد بـه آن‌هـا، مضامین منفی و بعضاً تحول کارکردی روستا مانند «احسـاس محرومیـت نسـبی»، «شـکنندگی اقتصاد محلی»، «ناپایداری اجتماع محلی» و «خدماتی شدن مشاغل روستا»، را ادارک کـرده‌انـد که در مجموع دال بر شکل‌گیری مضـمون کلـان «ناپایـداری روسـتایی» هسـتند. در مطالعـات احمدی اوندی و همکاران (۱۳۹۳)، ملک‌حسینی و میرک‌زاده (۱۳۹۳) در خصوص روسـتاهای بالادست سد سلیمانشاه، اکبرزاده و کـابلی (۱۳۹٦) در خصـوص روسـتاهای بالـا دسـت سـد سیازاخ، امینی و گفتاری (۱۳۹٦) در خصـوص سـد ژاوه، قـدرتی و زیـدی (۱۳۹٦)، امینـی و همکاران (۱۳۹۷)، نادری و کرمی دهکردی (۱۳۹۷) در خصوص سد بهشت آباد، دانـش‌مهـر،

احمدرش و کریمی (۱۳۹۸)، صادقی و همکاران (۲۰۱۷)، اُدام آپیا و همکاران (۲۰۱۷) و آیینی و اوجیفو (۲۰۱۸)، بر مضامین شناسایی‌شده در پژوهش حاضر به عنوان اثرات احداث/ عدم تخصیص آب سدها بر جوامع روستایی تأکید شده است؛ بنابراین نتایج این بخش از پژوهش با مطالعات مذکور همسو می‌باشد.

نتایج حاصل‌شده نشان می‌دهد اتخاذ و اجرای سیاست‌ها دوگانه تخصیص/ عدم تخصیص آب سدها به جوامع روستایی می‌تواند در تحولات کارکردی-ساختاری روستاها اثرات قابل توجهی را بر جای بگذارد. با توجه به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی روستاها مانند فقر، بیکاری، مهاجرت، خشکسالی و ...، تخصیص منابع آب سدها به روستاهای محروم از این منابع کلیدی، می‌تواند راهگشای حل مشکلات این جوامع باشد. از این‌رو تجدید نظر اساسی در سیاست‌های تخصیص منابع آبی در کشور و همچنین تخصیص بخشی از منابع آبی سدهای استان کردستان و حتی سایر استان‌های کشور به روستاهای مجاور سدها برای استفاده روستاییان در بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی مانند کشت گندم آبی، ذرت، یونجه، چغندر قند، سیب‌زمینی، کلزا، احداث پرورش ماهی و ...، با استفاده از تکنولوژی‌های نوین، پیشنهاد کاربردی و اجرایی پژوهش حاضر است.

کتاب‌نامه

۱. احمدی اوندی، ذ.، بهمئی، س.، سپهوند، ع.، و لجم اورک مرادی، ع. (۱۳۹۳). ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پروژهٔ احداث سد کارون ۳ شهرستان ایذه. *فصلنامهٔ توسعهٔ اجتماعی (توسعهٔ انسانی سابق)، ۸ (۳)*، ۵۲-۲۷.

۲. اسفندیاری درآباد، ف.، مصطفی‌زاده، ر.، شاهمرادی، ر.، و عبادی، ا. (۱۳۹۸). بررسی اثر احداث سد بوکان بر شاخص‌های هیدرولوژیک رودخانهٔ زرینه‌رود براساس منحنی تداوم جریان. *نشریهٔ دانش آب و خاک، ۲۹ (٤)*، ۱۵۹-۱٤۷.

۳. اکبرزاده، پ.، و کابلی، س. ح. (۱۳۹٦). ارزیابی اثرات اقتصادی اجتماعی سدسازی و تأثیر آن بر نظام بهره‌برداری سنّتی (مطالعهٔ موردی: سد سیازاخ شهرستان دیواندره). *جغرافیا و پایداری محیط، ۷ (۲)*، ٦۵-۵۳.

٤. امینی، ع.، و گفتاری، ز. (١٣٩٦). ارزیابی تأثیرات سد ژاوه بر مناطق روستایی هم‌جوار: شهرستان سنندج. *مجلۀ جغرافیا و توسعۀ ناحیه‌ای، ١٥(٢٨)*، ٢٣٦-٢١٣.

۵. امینی، ک.، ویسی، ف.، و محمدی، س. (١٣٩٧). تحلیل و تبیین اثرهای احداث سدها بر معیشت پایدار نواحی روستایی (نمونۀ موردی: سد داریان هورامان). *فصلنامۀ مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ٨ (٢٧)*، ١٧٦-١۵۵.

٦. پاپلی یزدی، م. ح.، و ابراهیمی، م.ا. (١١٣٨٧). *نظریه‌های توسعۀ روستایی* (چاپ چهارم).تهران: انتشارات سمت.

٧. توکلی، ج.، و جمینی، د. (١٣٩٤). تحلیل عوامل پیش‌برندۀ تجهیز اراضی زراعی به سیستم‌های آبیاری بارانی (مطالعۀ موردی: روستاهای شهرستان روانسر). *جغرافیا و پایداری محیط*، ١٦*(۵)*، ١٠٠-٨٩.

٨. حسین‌زاد، ج.، کاظمیه، ف.، جوادی، ا.، و غفوری، ه. (١٣٩٢). زمینه‌ها و سازوکارهای مدیریت آب کشاورزی در دشت تبریز. *نشریۀ دانش آب و خاک، ٢٣ (٢)*، ٩٨-٨۵.

٩. حمیدیان، ع.، و نصرآبادی، ا. (١٣٩٦). بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی سد خاکی با تأکید بر رضایتمندی ساکنان روستا (مطالعۀ موردی: روستای کمیز سبزوار). *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ٧ (٢٧)*، ٦٢-۵٣.

١٠.حیدری، ح.، و پاپ‌زن، ع. ح. (١٣٩٤). پیامدهای احداث سد شهدا بر روستای جوبکبود علیا. *مجلۀ تحقیقات اقتصاد و توسعۀ کشاورزی ایران*، ٤٦ *(٤)*، ٨۵٨-٨٤٧.

١١.خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (١٣٩۵). *٣٤ سد در کردستان در حال بهره‌برداری، ساخت و مطالعه است*، بازیابی از https://www.irna.ir/news/82416442/34.

١٢.دانش‌مهر، ح.، احمدرش، ر.، و کریمی، ع. (١٣٩٨). درک معنایی نخبگان و ذی‌مدخلان محلی از طرح انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه: ارائۀ مدل داده‌بنیاد. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ٨ (١)*، ٣٢-١.

١٣.ساعدی، س.، مهرابی، ع.ا.، طویلی، ع.، و حیدری، س. (١٣٩۵). ارزیابی اثرات توسعه بر تغییرات کاربری اراضی و قیمت زمین (مطالعۀ موردی: سد طالقان)، ٦٩ *(١)*، ١٠٦-٩٣.

١٤.شجاعی جشوقانی، ر.، احمدی علون‌آبادی، س. ا.، جزایری، ر. ا.، و اعتمادی، ع. (١٣٩٧). واکاوی معنایی آسیب‌های برآمده از فضای مجازی در روابط بین زوجین در شهر اصفهان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ١٩(٧٣)*، ٧٨-٦٢.

۱۵. شکوئی، ح. (۱۳۸۳). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا* (جلد اول، چاپ هفتم). تهران: انتشارات گیتاشناسی.

۱٦. صادقی، ح. ا.، صیدائی، ا.، و رضوانی، م. ر. (۱۳۹٦). بررسی تأثیرات اقتصادی سدهای مخزنی بر توسعهٔ سکونتگاه‌های روستایی (نمونهٔ موردی: سد کارون سه–شهرستان ایذه). *مجلهٔ آمایش جغرافیایی فضا، ۷ (۲٤)*، ۲۰۰–۱۸۵.

۱۷. صادقی، ح. ا.، صیدائی، ا.، و رضوانی، م. ر. (۱۳۹۷)، بررسی اثرات اجتماعی سدها بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی (مطالعهٔ موردی: سد کارون سه–شهرستان ایذه). *جغرافیا و توسعه، ۵۰(۱٦)*، ۱۹۸–۱۸۱.

۱۸. فعلی نهاوند، س.، و رسولی آذر، س. (۱۳۹٦). ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی طرح‌های آبخیزداری حوزهٔ آبخیز سد مهاباد. *نشریهٔ ترویج و توسعهٔ آبخیزداری، ۵ (۱۸)*، ۳۲–۲۵.

۱۹. قدرتی، ش.، و زیدی، م. (۱۳۹٦). تفسیر معنایی روستاییان از پیامدهای ساخت سد مطالعهٔ موردی: منطقه‌ی رودبار در استان‌های ایلام و لرستان. *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۸ (۲۹)*، ۱۲۱–۱۰۳.

۲۰. محمدپور، ا. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲* (چاپ دوم). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۲۱. ملک‌حسینی، ا.، و میرکزاده، ع. ا. (۱۳۹۳). ارزیابی آثار اقتصادی پروژه‌های توسعه بر مناطق روستایی مورد مطالعه شبکهٔ آبیاری و زهکشی سد سلیمانشاه. *تحقیقات اقتصاد و توسعهٔ کشاورزی ایران، ٥٤ (۱)*، ۱۹۳–۱۸۳.

۲۲. نادری، ل.، و کرمی دهکردی، ا. (۱۳۹۷). دیدگاه خانوارهای محلی پیرامون پیامدهای اجتماعی احداث سد بهشت‌آباد در حوزهٔ مبدأ. *پژوهش‌های روستایی، ۹ (٤)*، ٦٤٤–٦۳۱.

۲۳. نوری، س. ه.، جمینی، د.، و جمشیدی، ع. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل بازدارندهٔ تجهیز اراضی کشاورزی روستاییان به سیستم‌های آبیاری بارانی (مورد: شهرستان روانسر). *نشریهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۰(۵۸)*، ۳۲۵–۳۰۳.

۲٤. یاسوری، م. (۱۳۸٦). محدودیت منابع آب و نقش آن در ناپایداری مناطق روستایی استان خراسان رضوی. *فصلنامهٔ چشم‌انداز جغرافیایی، ۱(۵)*، ۱۷۸–۱٦۳.

25. Ayeni, A., & Ojifo, L. (2018). The socio-economics dynamics of dam on rural rommunities: A case study of Oyan dam, Nigeria. *Proceeding of the International Association of Hydrological Sciences*, *379*(1), 175–180.

26. Bhatti, N. B., Siyal, A. A., Qureshi, A. L., & Bhatti, L. A. (2019). Socio-economic impact assessment of small dams based on t-paired sample test using SPSS software. *Civil Engineering Journal*, *5*(1), 153-164.
27. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, *3*(2), 77-101.
28. Dillon, A., & Fishman, R. (2019). Dams: Effects of hydrological infrastructure on development. *Annual Review of Resource Economics*, *11*(1), 125-148.
29. Jamini, D., Amini, A., Gadermarzi, H., & Tavakoli, J. (2017). Challenges of food security in rural areas using grouned theory approach in ravansar countery, western Iran. *European Journal of Geography*, *8*(4), 26-40.
30. Jamini, D., Ghadermarzi, H., Mafakheri, A., Jamshidi, A., & Nikbakht, S. (2013), Investigation and assessment of factors that influence sustainable farming: A case study of rice farmers in Shirvan Cherdavel Town, Ilam province, Iran. *International Journal of Agri-Science, 3* (6), 444-452.
31. Lesani, M. T., & Jafari, H. (2015). The Role of water supply management in rural economy with an emphasis on earth dam's construction (Case study: Bakhazr County). *Indian Journal of Science and Technology*, *8*(S3), 28-32.
32. Leunufna, S., & Evans, M. (2014). Ensuring food security in the small islands of Maluku: A community genebank approach. *Journal of Marine and Island Cultures*, *3*(1), 125–133.
33. Malek Hosayni, A., Mirakzadeh, A. A., & Lioutas, E. (2017). The social impacts of dams on rural areas: A case study of Solaiman Shah Dam, Kermanshah, Iran. *Journal of Sustainable Rural Development*, *1*(2), 189-198.
34. Odame Appiah, D., Sarfo, M., Famieh, B., & Addai, H. (2017). Environmental and socioeconomic perturbations of a dam project on catchment communities, Ghana. *Global Environment, Health and Safety*, *1*(2:13), 1-9.
35. Riahi, V., & Jamini, D. (2018). A study on the villagers' semantic understanding of functional challenges in rural settlements (Case study: Centeral District of Ravansar County). *Journal of Research & Rural Planning*, *7*(2), 1-23.
36. Sadeghi, H. A., Seidaiy, S. S., & Rezvani, M. R. (2017). The socio-economic effects of Karun 3 dam on the sustainable development of rural areas. A case study in Iran. *Human Geographies*, *11*(2), 213-229.
37. See, L., Fritz, S., You, L., Ramankutty, N., Herrero, M., Justice, C., …, & Obersteiner, M. (2015). Improved global cropland data as an essential ingredient for food security. *Global FoodSecurity*, *4*(1), 37–45.
38. Shamsoldini, A., Jamini, D., & Jamshidi, A. R. (2016). Measurement and analysis of social stability in rural areas (Case study: Javanrood Township). *Journal of Rural Research*, *7*(3), 486-503.
39. Smyth, S. J., Phillips, P. W. B., & Kerr, W. A. (2015). Food security and the evaluation of risk. *Global Food Security*, *4*(1), 16–23.

40. Sultana, M. N., Uddin, M. M., Ridoutt, B., Hemme, T., & Peters, K. (2015). Benchmarking consumptive water use of bovine milk production systems for 60 geographical regions: An implication for Global Food security. *Global Food Security*, *4*(1), 56-68.